

Jurisprudential and Judicial Nature of Preventive Lawsuits¹

Saeed Farzaneh

PhD., Student, Private Law, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran. Safarzaneh@gmail.com

Ali Abbas Hayati

Assistant Professor, Department of Law, Razi University, Kermanshah; Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran (**Corresponding author**). aliahayati@yahoo.com

Faramarz Bagherabadi

Assistant Professor, Department of Law, Razi University, Kermanshah, Iran. fbagherabadi@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present study is to review the jurisprudential status of preventive lawsuits and their legal requirements. The research method is descriptive-analytic and the results showed that God in Surah al-'Asr has advised Muslims on the necessity of taking preventive measures to prohibit any harm. Meanwhile, the sapient foundation has advised on the prevention of harmful measures. The explicit message of the principle of Lā Zarar (no harm) is that loss and damage should be prevented by any means. Principles of Tasbib and Itlāf have also admonished for the necessity of doing any measures which prevent harm. Therefore, the preventive lawsuits of compensation are acknowledged if logically there is a likelihood of harm by the defendant. The adopted laws have also referred to this issue although there is not an accurate procedure for this important case. Thus, with reference to the principle ۱۶۷ of the Constitution and relevant jurisprudential interpretations, the judiciary system should be obliged to recognize these types of lawsuits.

Keywords: Compensation, Prevention, Lawsuits, Principle of Lā Zarar (No Harm), Civil Responsibility.

¹ Received : ۲۰۲۱/۰۹/۰۹; Revised: ۲۰۲۱/۱۱/۲۹; Accepted: ۲۰۲۲/۰۲/۲۱; Published online: ۲۰۲۲/۰۶/۲۲

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University

© the authors



ماهیت فقهی و حقوقی دعاوی پیشگیرانه^۱

سعید فرزانه

دانشجوی دکتری، حقوق خصوصی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران Safarzaneh@gmail.com

علی عباس حیاتی

استادیار، گروه حقوق، دانشگاه رازی، کرمانشاه؛ واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران (نویسنده مسئول).

aliahayati@yahoo.com

فرامرز باقرآبادی

استادیار، گروه حقوق، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. fbagherabadi@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی جایگاه فقهی دعاوی پیشگیرانه و بایسته‌های تقنینی آن است. روش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که خداوند در سوره عصر به لزوم اقدامات پیشگیرانه در خصوص عدم بروز خسارت توصیه کرده است. در عین حال بنای عقلا به ممانعت از اقدامات زیانبار توصیه نموده است. پیام مستقیم قاعده لاضرر آن است که به هر طریق ممکن می‌بایست مانع از بروز ضرر و خسارت شد. قواعد تسبیب و اتلاف نیز به لزوم انجام هر فعلی که مانع بروز خسارت می‌باشد، توصیه نموده است. بنابراین، می‌بایست دعاوی پیشگیرانه جبران خسارت را به شرط منطقی بودن احتمال بروز خسارت توسط خواننده، به رسمیت شناخت. قوانین موضوعه نیز به صورت جزئی به این مورد اشاره کرده‌اند، لیکن رویه دقیقی برای این مهم تصور نیست. لذا، به استناد اصل ۱۶۷ قانون اساسی و تفاسیر فقهی مربوطه می‌توان نظام قضائی را به شناسایی این نوع دعاوی ملزم دانست.

کلیدواژه‌ها: جبران خسارت، پیشگیری، دعاوی، قاعده لاضرر، مسئولیت مدنی.

^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۹/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۲؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

© نویسندگان.



مقدمه

تعاریف و اقسام خسارت از دیدگاه حقوق ماهوی، مورد بحث‌های مفصلی از سوی فقها و حقوقدانان قرار گرفته است؛ لذا، از لحاظ آیین دادرسی و حقوق شکلی، تحقیق منسجمی در مورد دعوی خسارت صورت نگرفته است. این در حالی است که مباحث مربوط به مسئولیت مدنی و به‌ویژه خسارت، آنچنان در دنیای امروزی حقوق، گسترش و عمق یافته است، که سایه آن بر تمام رشته‌ها و مسائل دیگر حقوقی سنگینی می‌کند و دعاوی خسارت، درصد بسیار چشمگیری از دعاوی مطروحه در مراجع مختلف را پوشش داده است. در خصوص مفهوم خسارت، تعاریف متعددی بیان شده است؛ اما به نظر، جامع‌ترین تعریف خسارت، عبارت است از «... ورود لطمه و زیان به جان، مال و عرض اشخاص...» (حبیبی قبادیان، ۱۳۹۷، ص ۵۵).

حقوق دانان بر پایه مباحث فقهی و همچنین مفاد مصوب قانونی که در حال حاضر در منابع قانون موجود است؛ وجود سه شرط: بروز خسارت، فعل/ترک فعل زیان‌بار و رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار با خسارت را، برای انتساب مسئولیت مدنی جبران خسارت برشمرده‌اند (فرزانه و حیاتی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۰). دادگاه‌های حقوقی و شورای حق اختلاف، ضمن احراز این سه شرط، نسبت به حکم جبران خسارت اقدام می‌نمایند. در برخی موارد ممکن است، هنوز خسارتی رخ نداده باشد و دعاوی مرتبط به آن مطرح باشد؛ که به آن دعاوی پیشگیرانه گویند. در کامن‌لا^۱، این نوع دعاوی به رسمیت شناخته شده و فردی که تهدید به بروز خسارت می‌شود، حق ارائه دادخواست به دادگاه را دارد. در حقوق کشور ما تعریف دقیقی از این دعاوی بیان نشده است. اما به موجب بند ۹ ماده ۸۴ قانون آئین دادرسی مدنی، در صورتی که دعوا جزمی نبوده، بلکه ظنی یا احتمالی باشد؛ خواننده می‌تواند نسبت به آن اقامه دعوی نماید. در اینجا دو بحث مطرح است. برخی به استناد شرط نخست، مسئولیت مدنی (بروز خسارت) دعاوی پیشگیرانه را به سبب نبود خسارت، قابل طرح نمی‌دانند. برخی دیگر بیان داشته‌اند، که اقدامات پیشگیرانه همواره ضرورت داشته و با توجه به هزینه اندک پیشگیری از بروز خسارت، می‌بایست این نوع دعاوی را به رسمیت شناخت. به‌هرحال، رویه قضائی کنونی کشور در این خصوص مبهم است؛ و نیاز است که به استناد اصل ۱۶۷ قانون اساسی که قواعد فقهی را جزئی از منابع حقوقی می‌داند، حکم این مهم را استنباط کرد.

حبیبی قبادیان (۱۳۹۷)، در تحقیقی آیین رسیدگی به خسارات دادرسی با تأکید بر رویه قضایی را، بررسی کرده و دادگاه‌ها را ملزم به حمایت از دعاوی پیشگیرانه دانسته است. فرزانه و حیاتی (۱۳۹۹)، در تحقیقی، به مقایسه این مهم، در حقوق ایران و فرانسه پرداختند. سؤال تحقیق این بود که ماهیت فقهی و حقوقی دعاوی پیشگیرانه چیست و مشروعیت آن به چه صورت است؟ تحقیقات مختصری به رویه حقوقی و قضائی دعاوی پیشگیرانه اشاره داشته و عموماً سعی در تبیین وضعیت حقوقی آن داشته‌اند. تاکنون تحقیق فقهی در این خصوص و استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی انجام نشده است. در این پژوهش برای نخستین بار سعی شده است که با تفسیر موسع اصل ۱۶۷ قانون اساسی، رویه حقوقی این مهم، تصریح شود.

^۱ Common Law

مبانی دعاوی پیشگیرانه

خواهان باید اثبات کند، که در زمان طرح دعوی دارای نفی، منجز است. بنابراین، چنانچه وجود نفع برای خواهان، مشروط به تحقق شرط یا معلق به وقوع امری باشد، دعاوی خواهان قابل استماع نخواهد بود. برای مثال، اگر ملک شخص زنده‌ای غضب شد، فرزند مالک ملک نمی‌تواند در دعوی که احتمالاً اقامه می‌کند، ذی‌نفعی خود را با تمسک به این امر که روزی او، با فوت پدر، از صدور حکم خلع ید منتفع خواهد شد، توجیه نماید (شمس، ۱۳۸۳، ص ۳۱۹). در همین زمینه، بند ۴ ماده ۸۴ آئین دادرسی مدنی یکی از ایرادات دعوی را جزمی بودن آن اعلام کرده است. لازم به توضیح است؛ که اصطلاح دعاوی احتمالی در ماده مذکور، در مقابل دعاوی جزمی قرار گرفته است.

دعاوی را از یک دیدگاه، می‌توان به دعاوی ماهوی و تأمینی تقسیم کرد. دعاوی ماهوی، دعوی است که با هدف مطالبه حقی اقامه می‌شود، درحالی‌که دعاوی تأمینی با هدف تأمین حق است. دعاوی احتمالی نیز به دعاوی ماهوی یا اصلی و دعاوی تأمینی یا احتیاطی، قابل تقسیم است. دعاوی احتمالی ماهوی، دعوی است که در آن بدون وقوع نقض حق، خواهان صدور حکمی را در ماهیت دعوی مطالبه می‌کند. اما در دعاوی احتمالی تأمینی، خواهان، صدور قرارهای تأمین را پیش از نقض حق، از دادگاه مطالبه می‌کند؛ بدون اینکه نظر به ماهیت دعوی داشته باشد (یزدانیان، ۱۳۷۹، ص ۱۱۴).

از شرایط نفع، یکی آن است که در زمان اقامه دعوی به وجود آمده باشد. بنابراین، اگر موضوع دعوی، جبران خساراتی است که در امر اقدام خواننده، به خواهان وارد شده است، این خسارات باید در زمان اقامه دعوی به خواهان وارد شده باشد. دیوان کشور فرانسه، در آرای متعددی بر عدم پذیرش اقامه دعوی، پیش از تحقق نفع، تأکید دارد. باین‌حال، در مواردی ورود ضرر به خواهان چنان قریب‌الوقوع است که قانون‌گذار می‌پذیرد، پیش از ورود بالفعل ضرر، خواهان، اقدامات لازم را برای دفع ضرر از خود انجام دهد. طرح دعاوی پیشگیرانه در مواردی تجویز می‌شود که در تحقق نفع برای اقامه دعوی در آینده تردیدی نباشد؛ فقط در زمان تقدیم دادخواست، هنوز این نفع به صورت مشجر تحقق نیافته باشد. به تعبیر دیگر، در این دعاوی، در خصوص زمان تحقق نفع، تردید وجود دارد؛ اما در اصل تحقق آن، تردیدی نیست. برای نمونه، رویه قضایی فرانسه، اقامه دعاوی تقسیم مال مشاع را در فرضی که حالت اشاعه، اموال آتی را در معرض اتلاف قرار دهد، پذیرفته است. علاوه بر این، دعاوی ممانعت از حق در حقوق فرانسه، از مصادیق دعاوی پیشگیرانه است (عموزاد مهدیرجی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۲). در حقوق ایران نیز می‌توان، طرح معماری پیشگیرانه را مبتنی بر قاعده فقهی - عقلی وجوب دفع ضرر، محتمل دانست (لطفی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۸). این نحوی در قوانین و رویه قضایی ایران مصادیق متعددی دارد. برای نمونه، ماده ۱۱۴ قانون مدنی ضرر بیان می‌دارد: «هیچ‌یک از شرکا نمی‌تواند دیگری را اجبار بر بنا و تعمیر دیوار مشترک نماید؛ مگر اینکه دفع ضرر به نحو دیگر ممکن باشد». بنابراین، اگر دیوار مشترک به یک سمت تمایل شده و در حال فروریختن باشد، مالکی که احتمال فروریختن دیوار بر روی خانه یا اموال او وجود دارد، می‌تواند با اقامه دعوی، همسایه را ملزم به تأمین هزینه تعمیر دیوار مشترک کند. این در حالی است که هنوز دیوار خراب نشده و ضرر بالفعلی به مالک وارد نشده است.

رویه فعلی دعاوی پیشگیرانه

در برخی منابع حقوقی به صورت خاص، دعاوی پیشگیرانه تصریح شده و لیکن به صورت عمومی در خصوص طرح آن، ابهام وجود دارد. در ادامه به بررسی ارکان رویه فعلی این دعاوی پرداخته شده است.

امکان طرح دادخواست

برخی به استناد ماده دوم قانون آئین دادرسی مدنی، شرط ذی‌نفع بودن را در خصوص دعوی بیان داشته‌اند. ذی‌نفع بودن به معنای دفع ضرر نیز است. در واقع، شخصی که از یک زیان رهایی یابد، نوعی ذی‌نفع محسوب می‌گردد. بر این اساس، شخصی که در معرض خطر است، ذی‌نفع دانسته شده است و حق طرح دادخواست به دادگاه را دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۴۳). برخی نیز به مباحث حقوق اساسی اشاره دارند، که در بحث منابع حقوقی، تنها منابع حقوق نوشته را به‌عنوان قانون، محسوب نمی‌نمایند. براساس این نظریه، عرف به‌عنوان منبع حقوقی، جایگاه ویژه دارد. هرچند که کشور ما نظام کامن‌لایی ندارد، اما مواردی که با شئون جامعه ناسازگاری دارد، می‌بایست توسط قانون منع شود. در واقع، مطالبه عمومی خواهان آن است، که قوه قضائیه در یک مورد خاص اقدام قاطع نماید. برای مثال، در وضع حقوق و تکالیف زوجین، بحث وفاداری، آن‌چنان بدهی است، که قانون‌گذار صراحتاً آن را از وظایف زوجه نشمرده است؛ چراکه جایگاه وفاداری در نظام اجتماعی-عرفی کشورمان پذیرفته شده است (کریمی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۲).

برخی دیگر با استناد به عرف قضائی چنین بیان داشته‌اند، که دادگاه در این موارد معمولاً ورود می‌کند. برای مثال، به رویه مذکور در قانون مدنی در خصوص دیوار مشترک اشاره شده است. به موجب مفاد قانون مدنی، اگر ساکنین منزل احساس نمایند که لوله آب همسایه ترکیده و محتمل به خرابی دیوار است، می‌توانند به دادگاه مراجعه کرده و از آن‌ها الزام به تعمیر را خواستار شوند. دادگاه نیز با نظر کارشناس، الزام به این امر را خواهان است (واحدی، ۱۳۹۶، ص ۳۲۱). بنابراین، می‌توان چنین استنباط کرد، که با وجود عدم ذکر صریح دعوی پیشگیرانه در قانون، رویه قضائی چنین اقتضاء دارد، که بنا بر عرف عمومی و همچنین استناد به موارد جزئی اشاره شده در قانون مدنی، نسبت به توقف فعل زیان‌بار اقدام شود.

الزام به توقف فعل زیان‌بار

ایراد حقوق‌دانان به طرح دعاوی پیشگیرانه، عدم احراز شرایط سه‌گانه مسئولیت مدنی است. قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ نیز، جبران خسارت به شرط تقصیر در آن را، بیان کرده است. بنابراین، به فرض رسمیت دعوی پیشگیرانه، نمی‌توان برای خواهان، خسارت در نظر گرفت؛ چرا که هنوز خسارتی ایجاد نشده است. البته در قانون مدنی روسیه و آمریکا، تهدید به خسارت از ارکان مسئولیت مدنی دانسته شده، که بر این اساس، حکم به پرداخت مبلغی معین صادر می‌گردد (حیدری^۱ و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۱۲۵). به‌هر حال در قوانین کشور ما تهدید به خسارت نمی‌تواند از ارکان مسئولیت مدنی دانسته شود. در نتیجه، برای پاسخ به این ایراد حقوق‌دانان، می‌توان چنین بیان

^۱ Heidari

داشت، که حاصل طرح دعوی پیشگیرانه، نهایتاً به توقف فعل زیان‌بار ختم شده و نمی‌تواند برای خواهان، امتیازی بیش از این به دست آورد؛ چرا که بنای عقلا، پیشگیری را بهتر از درمان دانسته و توقف فعل زیان‌بار و متعارض به حقوق مردم را خواهان است تا از ایجاد خسارات‌های روحی و مادی برای افراد پرهیز نماید. بنابراین، می‌توان بیان داشت، که حاصل طرح دعوی پیشگیرانه، توقف فعل زیان‌بار است.

مبنای فقهی دعاوی پیشگیرانه

همان‌طور که بیان شد، به موجب اصل ۱۶۷ قانون اساسی، منابع فقهی، جزئی از منابع حقوقی بوده و شورای نگهبان نیز ناظر بر تصویب قوانین مجلس بوده که با تعالیم اسلامی متعارض نباشد. در این قسمت مبنای فقهی دعاوی پیشگیرانه بررسی شده تا بتواند در خلأ قانونی، تعیین‌کننده رویه قضائی مرتبط باشد.

آیات و روایات

مفسرین مهم‌ترین منبع فقهی در خصوص خسارت را، سوره عصر می‌دانند. در ابتدای این سوره مقدس، بیان شده است، «سوگند به عصر» (عصر، ۱) و پس از آن آمده است؛ «که واقعاً انسان دستخوش زیان است».^۱ اما در ادامه و در آیه سوم همین سوره، عده‌ای را بدین گونه مجزا کرده است؛ «مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند».^۲ اکنون و با توجه به تفسیر آیه سوم و همچنین ارتباط آن با آیه دوم این سوره، می‌توان بیان داشت؛ که شرط معافیت از خسارت، اقدام پیشگیرانه است. از سوی دیگر، خداوند در قرآن، به همه مقاطع زمانی سوگند یاد کرده است: فجر: «والفجر»، صبح: «وَالصُّبْحِ»، روز: «وَالنَّهَارِ»، شب: «وَاللَّيْلِ»، چاشت: «وَالضُّحَى»، سحر: «وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ»، عصر: «وَالْعَصْرِ». خداوند گرچه به سحر چندین بار سوگند یاد کرده است؛ اما در حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده است که منظور از عصر، عصر خروج حضرت مهدی (عج) است. بعضی مراد از عصر را، عصر ظهور اسلام گرفته‌اند. اما بعضی عصر را به معنای لغوی آن، یعنی فشار گرفته‌اند؛ زیرا که فشارها سبب غفلت‌زدایی و تلاش و ابتکار انسان‌هاست. بعضی مراد از عصر را عصاره هستی، یعنی انسان کامل گرفته‌اند و بعضی آن را هنگام نماز عصر دانسته‌اند (جزایری، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۲۱).

برخی بیان داشته‌اند، که انسان در دنیا مانند یخ فروشی است که هر لحظه سرمایه‌اش آب می‌شود و باید هرچه زودتر آن را بفروشد، وگرنه خسارت کرده است. با اینکه سفارش به حق و صبر، جزء اعمال صالح است؛ ولی به خاطر اهمیت، به طور جداگانه بیان شده‌اند. همان‌گونه که صبر و استقامت نیز حق است و «تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ» شامل آن می‌شود؛ ولی به خاطر اهمیت صبر، جداگانه آمده است. «تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۲۱). صرف‌نظر از آیاتی که ضمن بیان احکام کارهای نیک و پسندیده، به‌گونه‌ای از انجام اعمال مخالف دستور الهی منع می‌کند (نحل، ۹۰؛ حج، ۴۱؛ اعراف، ۱۵۷)؛ سایر آیاتی که مأخذ قانون‌گذاری آن است، عبارتند از: «از شما باید امتی پدید آید که دعوت‌کننده به خوبی‌ها و تشویق‌کننده به کارهای شایسته و بازدارنده از کارهای زشت باشد؛ تنها چنین

^۱ «وَالْعَصْرِ»

^۲ «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»

^۳ «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»

کسانی به رستگاری می‌رسند»^۱ (آل عمران، ۱۰۴). آنچه از حکم این آیه استفاده می‌شوند این است که کلمه «امّه» ناظر به گروه و جمعیتی است که امر به معروف و نهی از منکر وظیفه آن‌ها است و به اصطلاح «واجب کفایی» است. در صورتی که در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران، امر به معروف و نهی از منکر واجب عینی است و قرآن می‌فرماید: «شما بهترین امت‌ها هستید که به سوی مردم مبعوث شده‌اید؛ زیرا به کارهای شایسته امر می‌کنید و از کارهای زشت نهی می‌نمایید»^۲.

بنابراین، می‌توان ممانعت از خسارت را نوعی امر به معروف دانست. هرچند که منظور از منکرات، عموماً اقدامات عمدی غیرمشروع است، اما عدم توجه و غفلت غیرعمدی که موجب بروز خسارت می‌گردد، از جمله نهیات است. قانون‌گذار با طرح مسئله خطای جزایی، غفلتی که موجب بروز خسارت می‌باشد را جرم‌انگاری کرده است. بنابراین، می‌توان به صراحت بیان داشت، که هرگونه سهل‌انگاری غیرعمدی که ممکن است به خسارت ختم شود، عملی مجرمانه تلقی شده و جدا از مسئولیت مدنی جبران خسارت، مستوجب مجازات برای جنبه بازدارندگی آن نیز می‌شود. لذا، امر به معروف و نهی از منکر در این مورد، کاملاً واجب شرعی است. در نتیجه، اگر شخصی متوجه شد که مال وی در معرض آسیب به علت غفلت دیگری قرار دارد، می‌بایست اصول امر به معروف و نهی از منکر را پیش گیرد. اگر تذکر لسانی برای توقف فعل زیان‌بار کفایت نکرد، وی می‌بایست به دادگاه اسلامی مراجعه کرده و الزام به توقف فعل را خواستار شود. بنابراین، می‌توان چنین استنباط کرد، که دادگاه شرعی به موجب قواعد امر به معروف و نهی از منکر می‌بایست، در صورت ارائه دادخواست تهدید مال به علت سهل‌انگاری یا غفلت دیگری، خواهان انجام اقدام احتیاطی برای ممانعت از خسارت شود.

بنا عقلاء

اصل امضایی بودن قراردادها و معاملات محل تردید نیست و روشن است که شارع در این باره تأسیسی نداشته است (صدری، ۱۳۸۸، ص ۹۲). در زمان شارع، قراردادهایی جریان داشته و شارع احتمالاً آن‌ها را امضاء کرده است و احتمالاً روش اجرایی نیز برای آن‌ها بیان کرده است و این مجموعه‌های فقهی پس از ایشان، گرد آمده و شکل عقود و ایقاعات معین به خود گرفته است؛ اما این به این معنا نیست که دلالت عقود و ایقاعات حصری است؛ بلکه زندگی مدنی روزمره با این قراردادها اداره می‌شده و اقتضای تمدن و زندگی مدنی امروزه قراردادهای جدید است (سنه‌پوری، ۱۴۱۷ق، ص ۸۸). اما پاسخ دیگر به ماهیت ممضی، با عقل و اطلاقات نقل منطبق بوده و بلکه فراتر از اطلاق، با مفهوم شرط ابتدایی و کاربردهای متنوع آن در متون شرعی به‌ویژه روایات تطبیق می‌کند؛ که شارع جریان عرفی روابط مردم را امضاء کرده و در این امضاء، فقط اصول و رهنمودهای کلی شریعت را در نظر داشته است؛ مثلاً در عقود و قراردادهای معاوضی عبور از خطوط قرمز ربا، ضرر، غرر، و جهل ملاک شارع بوده است (صدری، ۱۳۸۸، ص ۶۳).

بر مبنای تفسیر عقلانی و منطقی، علما بیان داشته‌اند، که معاملات الکترونیکی دارای ماهیت و اثر معاملات سنتی است و بسیاری از دیگر احکام شرعی نیز با این استناد بررسی شده است. از نظر عقلی می‌توان بیان کرد، که پیشگیری از بروز خسارت بهتر از دعوی جبران خسارت است. در صورت بروز خسارت، پیگیری تشریفات دادرسی این مهم،

^۱ «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

^۲ «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ»

عملی طاقت‌فرسا محسوب می‌گردد. خواهان می‌بایست، پیگیری‌های دست و پاگیر در خصوص جبران خسارت انجام دهد. خواننده نیز به جبران خسارت محکوم شده و اجرای این احکام برای دادگستری عملی وقت‌گیر و پرا انرژی محسوب می‌گردد. اما ممانعت از بروز خسارت، اولاً تشریفات دادرسی بسیار ساده‌تری نسبت به جبران خسارت دارد؛ در ثانی، خواننده به پرداخت خسارت محکوم نشده و دادگاه به سهولت بهتر می‌تواند موجب منع توقف فعل زیان‌بار شود. بنابراین، می‌توان بیان داشت که به دلایل بیان شده نیاز است که نظام قضائی دعاوی پیشگیرانه را به رسمیت بشناسد، تا نیاز به پیگیری دعاوی جبران خسارت نشود.

اصل اباحه

اصل اباحه، جواز عقلی تصرف در اشیاء، قبل از ورود حکم شرع است. اصل اباحه، مقابل اصالت حظر بوده و به معنای حکم اولی عقل به جواز تصرف در اشیاء، با قطع نظر از وجود شرع و حکم شارع، نسبت به آن‌ها است (صدری، ۱۳۸۸، ص ۱۴۵). در اینکه عقل، صرف نظر از احکام شرع، نسبت به افعال عادی انسان، که انتفاع از آن‌ها صحیح بوده و ضرری برای کسی ندارد، در مقابل افعال ضروری او مثل تنفس، چه حکمی دارد، میان علمای اصول اختلاف است؛ عده‌ای معتقدند، در این‌گونه مسائل، عقل به اباحه و جواز تصرف، حکم می‌دهد و جمع دیگری اعتقاد دارند، حکم عقل در آن‌ها حظر و منع از تصرف است. گروهی نیز مانند «حاجبی» بر این نظرند که عقل در این موارد، هیچ‌گونه حکمی ندارد و بعضی مانند «اشعری» گفته‌اند، عقل به توقف حکم می‌دهد. شیخ طوسی در کتاب «تهذیب الاحکام»، نظر اخیر را پذیرفته است (شیخ طوسی، ۱۳۹۶، ص ۶۷۴). براساس این اصل، اگر شخصی به مؤثر بودن منع توقف به یک فعالیت زیان‌بار ایمان داشته باشد، می‌تواند الزام آن را از دادگاه خواهان شود. همان‌طور که بیان شد؛ به دلایلی من جمله عدم بروز خسارت، دادگاه‌ها از پذیرش این دعاوی خودداری می‌نمایند. اما می‌بایست چنین بیان کرد، که دادگاه می‌بایست مانع از ادامه فعل زیان‌بار شود، نه جبران خسارت. بنابراین، طرح این دعوی دارای مشروعیت است.

حکم عقلی چنین بیان می‌دارد که ممانعت از بروز خسارت، بسیار بهتر از جبران خسارت وارده است و آثار ممانعت از بروز خسارت، بسیار برتر از جبران خسارت وارده است. به حکم عقل، منع از خسارت نوعی حفاظت از جان و مال انسان‌هاست. بروز خسارت معمولاً به درستی جبران نشده و ممکن است اعسار خسارت‌زنده، مانع از جبران خسارت گردد. از بعد جزئیات نیز، در هر مورد خاص، نظرات خاصی در مورد جبران خسارت وجود دارد. برای مثال، از بعد خسارات معنوی و آسیب به روان انسان، جملگی معتقدند، که این آسیب‌ها به هیچ صورت جبران نشده و قانون‌گذار تنها جهت انجام اقدام علمی در مورد جبران خسارت، جبران نوع مالی را برای آن قرار داده است؛ یا مثلاً از بعد خسارات وارده به خودرو، برخی قائل به جبران کامل خسارت، به علاوه افت قیمت بوده و برخی دیگر تنها اصلاح قسمت تصادف کرده را جزء خسارات می‌دانند. بنابراین، اگر بتوان به هر نحو مانع ایجاد خسارت شد، عدالت به نحوی بهتر اجرا شده و لذا، به حکم اباحه می‌بایست، دعاوی پیشگیرانه را به رسمیت شناخت.

قاعده لزوم

لزوم مستند به آیه «اوفوا بالعقود» است (مائده، ۱). لزوم در اینجا به معنی قطعیت و حتمیت است؛ زیرا عقد لازم، عقدی است که قطعی و نافذ بوده و فی الحال مفید ملک می‌باشد و طرفین حق انحلال آن را نخواهند داشت. در مقابل عقود لازم، عقود جایز قرار دارند؛ که طرفین یا یک طرف حق، انحلال عقد را داراست. این عقود را «عقود خیاری» یا «معلق» نیز می‌گویند (صدری، ۱۳۸۸، ص ۱۴۵). قاعده لزوم، مقرر می‌دارد، هر قراردادی که بین لزوم و جواز، مشکوک و مردد باشد؛ ملحق به عقود لازم است؛ از این اصل به «وفاء به عهد» نیز تعبیر می‌گردد. اصل لزوم هم، نسبت به اصل مفاد قرارداد جاری است و هم نسبت به لوازم و آثار آن. لذا، پس از تمامیت و انعقاد قرارداد، اصل و لوازم عقد، لازم‌الاجرا خواهد شد (صدوق، ۱۳۹۰، ص ۳۳).

در مواردی که عدم اجرای تعهد قراردادی، ممکن است به خسارت‌هایی منتهی شود، که در نهایت مستوجب مسئولیت مدنی برای ناقض تعهد شود، می‌توان طی یک دعوای پیشگیرانه مانع از بروز این مهم شد. بنابراین، می‌توان با اصلاح قانون مدنی، برای عدم توقف فعل زیانبار، مسئولیت جبران خسارت را تحت عنوان «دعوای پیشگیرانه» قرار داد. برخی خسارات، به واسطه عدم اجرای صحیح تعهدات قراردادی ایجاد می‌شود. بنابراین، می‌توان بیان داشت؛ در صورتی که نقض یک تعهد قراردادی (عدم وفای به عهد)، در آینده منجر به مسئولیت مدنی جبران خسارت شود، می‌توان طی دعوای پیشگیرانه، خواهان وفای به عهد به صورت کامل شد.

قاعده لاضرر

این قاعده اولاً، مستند به دلیل عقل است؛ زیرا عقل ضرر رساندن را قبیح دانسته و آن را محکوم می‌کند و طبق قاعده ملازمه^۱ این قاعده مسلم می‌گردد (فخرالمحققین، ۱۳۹۵، ص ۴۸). ثانیاً؛ در قرآن می‌خوانیم، «نباید مادر به واسطه قطع شیر به کودک خویش ضرر برساند»^۲ و یا اینکه «وقتی زنان خود را طلاق دادید، اگر واقعاً نمی‌خواهید با آنان زندگی کنید، صرفاً به منظور آزار دادن به آنان رجوع نکنید»^۳. همچنین در شریعت اسلام، هر حکم وضعی یا تکلیفی که موجب ضرر بر فرد یا نوع انسانی باشد؛ مطرود است. این قاعده مقرر می‌دارد که قراردادها، نباید موجب ورود زیان بر طرفین گردند و بر همین اساس، و به جهت جلوگیری از ضرر یا جبران آن، حق فسخ (خيارات) در معاملات در نظر گرفته شده است. هر عقد لازمی را می‌توان مضمول «خيارات» دانست و به جز سه خيار، مجلس، حیوان و تأخیر ثمن؛ که مختص عقد بیع است. تمامی خيارات (شرط، رؤیت و تخلف وصف، غبن، تدلیس، تبعض صفقه، تخلف شرط) در کلیه عقود جاری هستند (بجنوردی، ۱۴۱۹، ص ۳۲). از اصل قاعده لاضرر، لزوم دفع ضرر، به روشنی استنباط می‌شود. بنابراین، می‌توان شرط طرح دعوای پیشگیرانه را وجود خطر، به واسطه اقدامات خواننده نامید. در واقع می‌بایست چنین سؤالی طرح کرد، که اگر خواننده به حالت خود رها شود؛ آیا مستوجب مسئولیت مدنی جبران

^۱ «كلما حکم به العقل حکم به الشرع»

^۲ «لا تضار والده بولدها ولا مولود له بولده»

^۳ «ولا تمسک وهن ضراراً لتعتدوا»

خسارت خواهد بود یا خیر؟ در صورت بله بودن پاسخ، می‌بایست با هدف ممانعت از بروز خسارت، دعاوی پیشگیرانه مطرح ساخت.

قواعد تسبیب و اتلاف

بر اساس قاعده تسبیب، اگر کسی به‌طور غیرمستقیم و مع‌الواسطه، موجب تلف مال دیگری گردد؛ ضامن است و مسئول جبران خسارت است. اعم از اینکه موجب شدن عمدی باشد یا غیرعمدی؛ و اعم از اینکه در اثر انجام فعلی باشد؛ مانند اینکه کسی دیگری را وادار به دزدی کند، یا در اثر ترک وظیفه‌ای؛ مثل اینکه متصدی نگهداری از حیوان از مهار کردن حیوان خودداری ورزد و حیوان مزرعه را تباه کند (طباطبائی لطفی و روشنی، ۱۳۹۵، ص ۷۳).

در تسبیب و اتلاف، جهت اثبات ضمان، قصد و علم به اضرار شرط نیست. لذا، اگر مرتکب، چه با قصد و نیت، اضرار به غیر کند و چه بدون قصد، مبادرت به عمل کند؛ در هر حال، ضامن خواهد بود. همچنین در اثبات ضمان، چه در اتلاف و چه در تسبیب، احراز انتصاب و استناد خسارت به فعل متلف با مسبب لازم است. در صورت اجتماع سبب و مباشر یا اجتماع اسباب، باید توجه داشت که کدام‌یک از مباشر، سبب یا اسباب، از نظر ثقل و موازنه، در انتساب عمل به آن، بر دیگری برتری دارد؛ تا بتوان آن را ضامن شمرد؛ در صورت تساوی، ضامن بر عهده جمع خواهد بود (فرزانه و حیاتی، ۱۴۰۰، ص ۱۱).

بر این اساس، می‌توان ضمان بروز خسارت را دعاوی پیشگیرانه نامید و به‌حکم قاعده اتلاف، مانع از تلف شدن خسارت به‌واسطه پیش‌بینی صحیح از یک اقدام شد. بنابراین، می‌بایست دعاوی پیشگیرانه به رسمیت شناخته شود. قواعد اتلاف و تسبیب، به صراحت لزوم ممانعت از خسارت را بیان می‌دارند. اگر خسارتی ایجاد نشود، جبران خسارتی نیز ممکن نیست؛ بنابراین، به هیچ طرف زانی وارد نمی‌شود. اما در صورت بروز خسارت، به طرفین زیان وارد می‌شود. در نتیجه، ممانعت از بروز خسارت، اهمیت بالاتری نسبت به جبران خسارت دارد. به حکم قواعد اتلاف و تسبیب، می‌بایست به هر نحو، مانع از بروز خسارت شد؛ که رسمیت یافتن دعاوی پیشگیرانه بخشی از آن است.

بررسی حقوقی دعاوی پیشگیرانه

دعوی پیشگیرانه مسئولیت مدنی تنها متضمن تکلیف در جبران خسارت پس از ورود خسارت نیست؛ بلکه تکلیف به پیشگیری از ورود خسارت و تشدید آن نیز دارد. در واقع، هدف غایی و نهایی مسئولیت مدنی، پیشگیری از ورود خسارت و توقف فعل زیان‌بار است و نباید تنها به جبران خسارت در صورت تحقق آن بسنده کرد. در حقوق جدید مسئولیت مدنی، بحث‌ها از اصل پیشگیری هم فراتر رفته و اصل احتیاط مطرح شده است؛ که مربوط به خطرهایی با مضمون محقق نشده است و به استناد اصل مذکور و تمسک به اقدامات احتیاطی، می‌توان از وقوع خسارات مظنون جلوگیری کرد. انتقال هزینه حوادث از طریق اقامه دعوا از شخص زیان‌دیده به شخص حقیقی یا حقوقی که می‌توانسته از وقوع خسارت جلوگیری کند؛ این انگیزه را ایجاد می‌کند، که به‌جای جبران خسارت، در زمینه پیشگیری از وقوع حادثه، سرمایه‌گذاری کند (بادینی، ۱۳۹۵، ص ۴۲۲). اثر بازدارندگی تنها محدود به قبل از ورود خسارت نیست؛ بلکه اقدام پیشگیرانه در مراحل تکوین یک فعل زیان‌بار و حصول آثار زیان‌بار آن با توسل به سازوکارهای مناسب، وارد عمل شده و در جهت قفل فعل زیان‌بار یا تغییر مسیر آن و کنترل دامنه زیان و کاهش آسیب، عمل می‌کند.

در فرانسه، سازوکارهای مربوط به قبل از وقوع رویداد مضر، «اقدام پیشگیرانه و احتیاطی»؛ در زمان وقوع، «اقدام متوقف کننده»؛ پس از تحقق خسارت، تحت عنوان «خسارت موقت» و پس از تشخیص قانونی، با عنوان «خسارت و تعیین کیفر» نامیده و استفاده می‌شود. اصل احتیاط، ناظر بر وضعیتی احتمالی در آینده است؛ یعنی خسارتی که ممکن است در آینده ایجاد شود، با قاعده جبران خسارت پیشگیرانه، جبران شود (حیاتی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۵). اصل احتیاط، تکلیفی را بر عهده افراد قرار می‌دهد که اگر احتمال دهند از فعلی که قرار است انجام دهند خسارتی ایجاد شود؛ باید اقدامات لازم جهت جلوگیری از آن خسارت را انجام دهند و اگر کسی از این تکلیف سرباز زند، باید سرزنش شود (فکور^۱، ۲۰۲۰، ص ۱۰۰).

معیار و مقیاس یا طبقه‌بندی ویژه برای تعیین اقدام پیشگیرانه وجود ندارد؛ بلکه در موضوعات مختلف، برخی از راهکارهای احتیاطی بازدارنده یا اصلاحی حکم عرف یا قانون، در اختیار خواهان یا خواننده قرار می‌گیرد، تا با به‌کارگیری آن سازوکار، از ورود زیان یا افزایش آثار فعل مضر، جلوگیری به عمل آورد. خدمات تأمینی و پیشگیرانه در قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین مورد توجه قرار گرفته که به آن پرداخته شده است. اقدامات تأمینی و پیشگیرانه در قانون آیین دادرسی مدنی مثل آیین دادرسی مدنی تدابیر احتیاطی و اقدامات تأمینی در اختیار اصحاب دعوا یا ثالث، جهت جلوگیری از تضییع حقوق در نظر گرفته شده است.

دستور موقت

هدف از دستور موقت، جلوگیری از ضرر است. خواهان با احساس خطر ورود زیان در آینده، در اثر عملکرد خواننده یا وضعیت خواسته از ورود زیان، با این اقدام جلوگیری می‌نماید و دادگاه نیز با احراز شرایط لازم و آینده‌نگری در زمینه جبران خسارت و پیشگیری از ورود زیان، اقدامی پیشگیرانه و احتیاطی را در قالب دستور موقت اعمال می‌کند (یزدانیان، ۱۳۸۶، ص ۱۴۲).

تأمین خواسته

ممکن است مال موضوع حکم، در جریان دادرسی طلب یا منتقل شود و خواهان، متحمل ضرر و خسارت شود؛ قانون‌گذار با سازوکار تأمین خواسته به خواهان اجازه می‌دهد که جهت جلوگیری از تحمیل خسارت در آینده ناشی از اقدامات زیان‌بار خواننده، درخواست تأمین خواسته را قبل از اقامه دعوا یا قبل از صدور حکم، مطرح نماید. در واقع، قانون‌گذار اجازه اقدام پیشگیرانه را برای جلوگیری از خسارت در آینده، نسبت به خواسته‌هایی که در معرض تعدی و تفریط است، به خواهان اعطاء می‌نماید (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۴۷).

خسارت احتمالی

اخذ تأمین خسارت ناشی از طرح دعوی واهی، تأمین خسارت احتمالی در دستور موقت و تأمین خواسته، تأمین دعوی بیگانگان، تأمین یا ضامن در اجرای رأی غیابی و اخذ تأمین در اجرای رأی داور، اعاده دادرسی، فرجام‌خواهی

^۱ Fakour

و توقف اجرای اسناد رسمی، جملگی از سازوکارهایی با رویکرد پیشگیرانه و بازدارندگی یا جبرانی است (امامی، ۱۳۹۵، ص ۴۳).

مقامات تأمینی و پیشگیرانه در سایر قوانین

علاوه بر قانون آیین دادرسی مدنی در سایر مقررات نیز، راهکارهایی برای پیشگیری از ورود ضرر پیش‌بینی شده است.

شهرداری‌ها و دستگاه‌های دولتی در خصوص پیشگیری از خسارت

ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها، یکی از وظایف شهرداری را اقدام مؤثر و لازم برای حفظ شهر از خطر سیل و حریق دانسته است. همچنین، شهرداری مکلف به رفع خطر از بناها و دیوارهای شکسته و خطرناک، و پوشاندن چاه‌ها و چاله‌های واقع در معابر عمومی، و جلوگیری از گذاشتن اشیاء بالکن‌ها و جلوی اتاق‌های ساختمان‌های مجاور معابر عمومی - که افتادن آن‌ها موجب خطر برای آب روان است - و رفع انسداد از معابر عمومی است.

قوانین بیمه و تأمین اجتماعی

براساس ماده ۱۴ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵، اگر حادثه رانندگی به جرح یا فوت ناشی از یکی از تخلفات رانندگی حادثه‌ساز منجر شود؛ بیمه‌گر بعد از جبران خسارت در حق زیان‌دیده، می‌تواند برای باز یافت به مسبب حادثه مراجعه کنند. از این طریق، سیاست پیشگیری و ایجاد انگیزه برای اشخاص به منظور پیشگیری از خسارت در پیش گرفته شده است. در حقوق فرانسه، بند ۲ ماده ۳۵۴-۱ تأمین اجتماعی، در صورتی که صندوق تأمین اجتماعی ثابت کند که حادثه ناشی از کار یا بیماری حرفه‌ای، در نتیجه «تقصیر نابخشودنی» بیمه‌شده روی داده است؛ میزان مستمری از کارافتادگی قابل پرداخت و در صورت فوت، میزان مستمری قابل پرداخت به بازماندگانش ممکن است کاهش یابد. اما موضع حقوق فرانسه در این زمینه روشن نیست و از نوعی ابهام رنج می‌برد. در واقع، هیچ قانون عامی در فرانسه دعوای پیشگیرانه را تنظیم نکرده و در عین حال دادگاه‌ها در پاره‌ای موارد، سعی در پر کردن خلأ قانونی داشته و تدابیری اندیشیده‌اند و سپس قانون‌گذار در مواردی، این گرایش را تقویت کرده است (کشکولیان^۱ و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۶۰).

نتیجه‌گیری

نتیجه دعوای پیش‌گیرانه خسارت، تنها به لزوم توقف اقدام زیان‌بار خواهد بود و براساس اصول فقهی بنای عقلاء، اباحه، لزوم و لاضرر، می‌توان دعوای پیشگیرانه از بروز خسارت را مشروع دانست و دادگاه را نسبت به توقف اقدامات مذکور مکلف ساخت. محتمل بودن خسارت ناشی از یک اقدام، می‌بایست شرط طرح دعوای پیشگیرانه نسبت به آن باشد. برای پذیرش دعوای پیشگیرانه، می‌بایست چنین فرض کرد، که در صورت عدم ممانعت از فعل ادعایی خواهان، خسارت وارد خواهد شد و خواهان نیز به پرداخت آن محکوم خواهد گردید. در شرایط فعلی که قانون رویه خاصی در مورد دعوای پیشگیرانه ذکر نکرده، نیاز است که به موجب اصل ۱۶۷ قانون اساسی و مباحث فقهی بیان‌شده، دادگاه‌ها رویه ممانعت از فعل زیان‌بار را به شرط اثبات خسارت احتمالی ناشی از آن فعل، در پیش

^۱ Kashkouliau

گیرند. در پایان پیشنهاد می‌شود، که قانون‌گذار در آئین دادرسی مدنی بحثی به نام دعاوی پیشگیرانه را قرار داده تا رسیدگی به این دعاوی تابع تشریفات خاص خود باشد.

منابع

قرآن کریم.

- امامی، سید حسن (۱۳۹۵). *جزوه مسئولیت مدنی*. تهران: دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- بادینی، حسن (۱۳۹۵). *فلسفه مسئولیت مدنی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بجنوردی، محمدحسین (۱۴۱۹ق). *قواعد فقهیه*. قم: نشر الهادی.
- جزائری، سید محمدجعفر (۱۴۱ق). *هدی الطالی فی شرح المکاسب*. قم: موسسه دارالکتاب، ج ۳.
- حبیبی قبادیان، نشاط (۱۳۹۷). آیین رسیدگی به خسارات دادرسی با تاکید بر رویه قضایی. *قانون یار*، ۲(۶)، ص ۴۵-۶۷.
- حسینی مراغی، میرعبدالفتاح (۱۴۱۷ق). *العناوین*. قم: جامعه المدرسین، ج ۲.
- حیاتی، علی عباس (۱۳۹۳). *آئین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی*. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- سنهوری، عبدالرزاق (۱۴۱۷ق). *مصادر الحق فقه و الاسلامی*. قم: آل البيت.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۳). *آئین دادرسی مدنی*. تهران: انتشارات دراک، ج ۲، چاپ سوم.
- صدری، سید محمد (۱۳۸۸). *معاملات الکترونیکی*. کاشان: گلاب آدینه.
- صدوق، محمد بن حسین (۱۳۹۰). *من لایحضره الفقیه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ج ۴.
- طباطبایی لطفی، عصمت السادات؛ روشنی، محمود (۱۳۹۵). *قاعده تسبیب و رابطه آن با قاعده اتلاف*. *مطالعات فقهی و فلسفی*، ۲(۷)، ص ۷۳-۹۱.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی (۱۳۹۶). *تهذیب الاحکام*. قم: آل البيت.
- عموزاد مهدیرجی، رضا (۱۳۹۵). *ایرادات قضائی بر نحوه طرح دعاوی حقوقی*. تهران: دادگستر.
- فخرالمحققین (۱۳۹۵). *ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد*. قم: نشر اسماعیلیان.
- فرزانه، سعید؛ حیاتی، علی عباس (۱۴۰۰). *ماهیت فقهی و حقوقی وجود شرط علم و عمد در جبران خسارت دادرسی*. *مطالعات فقهی فلسفی*، ۱۲(۴۵)، ص ۱-۲۰.
- فرزانه، سعید؛ حیاتی، علی عباس (۱۳۹۹). *آثار انتخاب نظریه وحدت یا تعدد مسئولیت مدنی بر تشریفات دعاوی خسارت در حقوق ایران و فرانسه*. *مطالعات حقوق بشر اسلامی*، ۹(۱)، ص ۱۱۳-۱۴۲.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۸۷). *الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد*. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). *الزامهای خارج از قرارداد؛ ضمان قهری*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۱، چاپ هشتم.

- کریمی، عباس (۱۳۹۹). *ادله اثبات دعوی*. تهران: میزان.
- لطفی، اسدالله (۱۳۹۱). قواعد وجوب دفع ضرر محتمل و کاربرد آن در آیین دادرسی مدنی. *دیدگاه‌های حقوق قضائی*، ۱(۱)، ص ۲۰۵-۲۳۴.
- واحدی، قدرت‌الله (۱۳۹۶). *بایسته‌های آیین دادرسی مدنی*. تهران: میزان.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۷۹). *حقوق مدنی؛ قلمرو مسئولیت مدنی*. تهران: نشر ادبستان، ج ۱.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۸۶). *حقوق مدنی؛ قواعد عمومی مسئولیت مدنی*. تهران: بنیاد حقوقی میزان.

Fakour, H., Sheykholeslami, A. & Abbasi, M. (۲۰۲۰). Preventive Strategies for Damages Induced by Reconstructive Plastic Surgeries within Laws of UK and Iran. *Medical Law Journal*, ۱۴(۵۵), P.۸۹-۱۱۰.

Heidari, S., Mehri, S., Shariaty, V. & Hosseinzadeh, H. (۲۰۱۸). Preventive effects of crocin on neuronal damages induced by D-galactose through AGEs and oxidative stress in human neuroblastoma cells (SH-SY⁵Y). *Journal of Pharmacopuncture*, ۲۱(۱), P.۱۸.

Kashkoulia, E., Sheikholeslami, A. & Naghavi, M. (۲۰۱۹). Environmental impact evaluation of Isfahan Steel Company and preventive strategies: A case study. *Bioethics*, ۹(۳۳), P.۵۵-۶۳.